

میرایی صندوق‌ها

چه نهادی وظایف خود را به خوبی انجام نداده که صندوق‌ها با بحران مواجه شده‌اند؟



احمد میدری، متخصص حوزه رفاه اجتماعی است و اکنون در معاونت رفاه وزارت کار مشغول انجام وظیفه است. باور دارد که هنوز موضوع صندوق‌های بازنشستگی برای سیاست‌گذاران ایرانی ناشناخته مانده است. از هوراکشیدن مردم برای طرح‌های پوپولیستی که بلای جان صندوق‌ها بوده دل خوشی ندارد و معتقد است زودتر باید دست به کار حل بحران صندوق‌های بازنشستگی شد.

۲۶



پول ندارند رفاه اجتماعی ایجاد کنند، سن بازنشستگی را پایین می‌آورند. تقریباً داستان از زمان جنگ شروع شد. در دولت‌های مختلف از زمانی که ذخایر جمع شد، دولت به این نتیجه رسید که چرا باید از بانک مرکزی قرض گرفته شود؟ پول‌هایی که وجود دارد را استفاده می‌کنیم و در آینده آنها را پس می‌دهیم. همان سال اول انقلاب کارگاه‌های زیر پنج نفر را از قانون تأمین اجتماعی مستثنی کردند و ۳۷ نوع کارگاه را هم از این فهرست خارج کردند و این روند شروع شد. پس از آن، کار سخت و زیان‌آور مطرح شد، سن بازنشستگی کم شد، بنگاه‌داری گسترش پیدا کرد تا کشور به وضعیت کنونی رسید. حالا چه کسی مقصر است؟ درواقع باید تأکید کنم همه ما مقصر هستیم. همه در این کشور مقصر هستند. نهادهای مجلس و دولت نقش اساسی داشتند و همه مردم هم که برای دولت‌هایی که صندوق‌های بازنشستگی را تخریب کردند، هورا کشیدند مقصرند و هنوز این وضعیت ادامه دارد؛ یعنی همه خواهان این هستند که زودتر بازنشست شوند و از مزایای کار کمتر بهره‌مند شوند. به همین دلیل نمی‌شود گفت که تنها چه کسی مقصر بوده است. همه به نحوی تقصیر داشتند. در بخشی دیگر گروه‌های فشار در صندوق‌ها بودند که مقصر هستند، در بنگاه‌داری صندوق‌ها می‌توانستند اعمال زور کنند، در حقیقت این طیف صندوق‌ها را به صورت صندوق رانت می‌بینند. مدیرعامل می‌گذارند و برمی‌دارند و از سود شرکت‌ها به صورت نامشروع برداشت می‌کنند. این صندوق‌ها در گذشته صندوق‌های بخشش امتیازها بوده است که این امتیازها هم به شکل‌های مختلف بوده است. به طور مثال در منطقه‌ای که ظرفیت فولاد نداشته، فولاد احداث شده، جایی که پتروشیمی نداشته است، پتروشیمی زده شده است. این روند به

۴ چه نهادی وظایف خود را تا الان به خوبی انجام نداده است که به این وضعیت رسیده‌ایم. به نظر شما راهکارهای خروج از این بحران چیست و چه سیاست‌هایی باید در پیش گرفته شود تا از وضعیت بحرانی صندوق‌ها بیرون بیاوریم؟

در مورد سؤال شما اگر بخواهم خلاصه کنم همان تراژدی منابع مشترک است. ما در اقتصاد می‌گوییم منابع مشترک مثل مراتع، جنگل‌ها، رودخانه‌ها، هوا و ... منابع مشترکی هستند که به سمت تراژدی حرکت می‌کنند و نابود می‌شوند؛ مگر اینکه اتفاقی بیفتد. به طور مثال کسی مرتع‌داری نمی‌کند و همه می‌خواهند از مرتع استفاده بی‌رویه کنند. کسی از جنگل نگهداری نمی‌کند بلکه هرکسی می‌خواهد جنگل را تخریب کند، یعنی هرکسی بخواهد یک درخت را قطع کند، منافع قطع درخت از هزینه‌های آن بیشتر است و درختان به تدریج قطع خواهند شد. کسی نمی‌آید ماهی‌ها را در فصل بهار تخم‌ریزی و صید کند به دلیل اینکه منافع نسل آتی ماهی، برای آنها از درآمد فعلی کمتر است. منافع شخصی ایجاب می‌کند که منافع مشترک از بین بروند، مگر اینکه یک توافق جمعی برای انجام نشدن کار صورت گیرد. در صندوق‌های بازنشستگی همه کشورها این مشکل وجود داشته است و خاص ایران نیست. در اقتصاد ایران، دولت‌ها به این مرحله رسیده‌اند که به جای اینکه از بانک مرکزی قرض بگیرند، این قرض را از صندوق‌ها بگیرند.

این صندوق‌ها
آمادگی
ساختاری برای
نظارت، هدایت
و راهبری
نداشتند و
برای گروه‌های
فشاری که
درون و بیرون
شرکت‌ها بودند،
بستر فساد
بیشتر فراهم
شد.